بررسی توقف واکسیناسیون کرونا در روی خط خبر

شهرام زین‌العابدینی مدیرگروه سلامت اجتماعی رادیو سلامت در این باره توضیح می‌دهد: این برنامه رادیویی چهارشنبه‌ها ساعت ۲۰ به مدت یک ساعت روانه آنتن سلامت می‌شود. برنامه‌سازان برنامه روی خط خبر هر هفته تلاش می‌کنند به اتفاقات مهم در حوزه سلامت اجتماعی که در هفته جاری رخ داده، بپردازند و در این باره با کارشناسان صحبت کنند. در واقع ما زوایای پیدا و پنهان اخبار یک هفته را مورد بررسی قرار می‌دهیم که در شبکه‌های مجازی دست به دست هم چرخیده است و با مسؤولان مربوطه نقد و بررسی خواهیم کرد. به گزارش روابط عمومی رادیو سلامت، به گفته وی، این برنامه رادیویی شامل سه بخش محیط‌زیست، پزشکی و آسیب‌های اجتماعی است. برنامه روی خط خبر امروز با گویندگی فاطمه شهبازی موضوع توقف واکسیناسیون کرونا از موقتی بودن تا تکذیب توقف آن را تحلیل می‌کند. دکتر تبریزیان رئیس مرکز مدیریت شبکه وزارت بهداشت در این بخش حضور دارد.

گپ‌وگفت با تهیه‌کننده و ب

قرارمان یک د

فاطمه عودباشی و نوشین مجلسی
رسانه

ساره قرار است با پسری به نام بردیا ازدواج و به کشور آلمان مهاجرت کند اما در اثر اتفاقاتی که برا
تلویزیونی «روزهای آبی» بود که پخش آن روز گذشته از شبکه پنج سیما تمام شد. این شبکه در طول
هرازگاهی شاهد پخش سریال از این شبکه بودیم اما به تازگی دوباره فعالیت این شبکه در عرصه سری
اما لحظه‌های شاد و مفرحی برای مخاطبان تلویزیون فراهم کرد که به کارگردانی محمدرضا حاجی غلا
مهاجرت‌شان به یک روستای دوره افتاده، پارادوکس بین این دو سبک زندگی در شهر و روستا را نشا
این خانواده به روستا، مخاطبان شاهد داستان‌های عاشقانه میان چند شخصیت اصلی داستان بودند که مسیر دیگری برای
کیوان ساکت‌اف و مرتضی زارع بازیگران و هاشم علی‌اکبری مدیر تولید سریال بودیم و با آنها درباره جزئیات سریال به گفت‌وگو

متمایز بودن ساره با دختران امروزی

روحیه‌ای که از ساره در سریال روزهای آبی می‌بینیم، تفاوت زیادی با دختران امروزی دارد. او در یک اتاق آبی واقع در روستایی دور افتاده می‌رود که اتفاقا نام سریال برگرفته از همین اتاق است. برایتان سخت نبود نقشی را بازی کنید که چنین ویژگی‌هایی داشته باشد؟

ویدا جوان، بازیگر نقش ساره: راستش دلایل زیادی داشتم تا این نقش را بازی کنم اما باید اشاره کنم که تمایز روحیه ساره شخصا جالب بود. زیرا برایم او دو بچه را بزرگ کرده و برایشان مادری کرده‌است. از سوی دیگر از طبقه‌ای از اجتماع بوده که حالا بنا به اتفاقاتی که پشت سر گذاشته از همه این موضوعات گذر کرده‌است. بنابراین حق دارد که روحیه متفاوتی داشته باشد و مثل دختران امروزی نگاه نکند. در واقع مثل دختران امروزی برایش تجملات اهمیتی ندارد. ما می‌خواستیم در این سریال تفاوت ساره را با دختران امروزی نشان دهیم که مشکلی هم ندارد وقتی پدرش ورشکست می‌شود و به روستای زادگاه مادری‌اش می‌رود. البته من و ساره وجوه اشتراک کمی داشتیم، اما به سبک زندگی او علاقه‌مند شدم.

با توجه به دور بودن شخصیت ساره، بازی کردنش برایتان سخت نبود.

جوان: طبیعی است وقتی شخصیت از ما دور باشد، چالش جذاب‌تری را به همراه دارد. گرچه شخصیت ساره از من دور بود و تفاوت‌های بنیادی داشتیم، زیرا خاستگاه ساره چیز دیگری بود اما با این حال وجوه مشترک را پیدا و سعی کردم در بازی‌ام اجرا کنم.

شما اشاره به خاستگاه ساره کردید و سبک زندگی‌اش در روستا. ما در این سریال شاهد هستیم که به پارادوکس‌های سبک زندگی روستا و شهر اشاره می‌شود. این موضوع چقدر برایتان چالش به همراه داشت؟

جوان: مسلما جذابیت خودش را داشت. در سریال روزهای آبی به غیر از پرداخت به سبک زندگی روستا و شهر، به مهاجرت معکوس شهر به روستا هم می‌پرداخت که همین موضوع برای من جالب بود. وقتی می‌بینیم ساره وارد روستا می‌شود، سعی می‌کند خودش را با شرایط تطبیق دهد، ناراحتی نمی‌کند و برای خودش دلخوشی‌های تازه‌ای فراهم می‌کند.

مرتضی زارع، بازیگر نقش همت: به نظرم یکی از اتفاقات برجسته سریال روزهای آبی این است که فضای روستا و به‌روز بودن مردم روستا بسیار با شرایط امروز روستاهای ایران نزدیک است. گاهی شاهد هستیم بخش‌هایی از قصه در سریال‌ها در روستا می‌گذرد ولی روستایی که به تصویر کشیده می‌شود برای ۵۰ سال پیش است اما روستای سریال روزهای آبی نسبت به دیگر کارها، واقعی است. ضمن این‌که به موضوع کارآفرینی هم اشاره می‌شود. البته نه این‌که در روستا کارخانه تاسیس شود، بلکه از ظرفیت روستا برای کارآفرینی بهره برده می‌شود که این اتفاق خوبی است. از دیگر موضوعاتی که سریال به آن اشاره کرد جوانانی بودند که بعد از سربازی در روستا کار ندارد و به شهرها مهاجرت می‌کنند. این در حالی است که می‌توان با بومگردی و امکانات روستا برای جوانان ایجاد شغل کرد.

پرویز امیری، تهیه‌کننده: از ابتدا ما دو هدف اصلی را در فیلمنامه سریال تعیین کردیم که اتفاقا خواسته سازمان صدا و سیما هم بود. این دو هدف شامل مهاجرت معکوس از شهر به روستا و روستای مولد بود. در حال حاضر ۲۶درصد جمعیت ایران شامل روستاییان است. بنابراین رسانه باید دین خودش را ادا کند. ما هم تلاش کردیم به این دو موضوع مطلوب بپردازیم. همچنین به موضوع بومگردی هم تاکید کردیم که چطور می‌توان از ظرفیت‌های روستا برای اشتغال استفاده کرد. در قسمت‌های پایانی سریال هم به موضوع تبدیل کشاورزی سنتی به مدرن و ارتقای مزارع کوچک به بزرگ اشاره کردیم.

به‌روز اما ساده

اشاره کردید می‌خواستید روستاییان را به‌روز نشان دهید که با فضای مجازی آشنا هستند و.... پس چرا این آدم‌های به‌روز، گاهی آنقدر سر بدیهی‌ترین مسائل بحث می‌کنند و آنقدر ساده می‌شوند؟ مثلا ماجرای انتخاب میان مرده‌شورخانه یا بهداری که خط اصلی قرار گرفته است، خیلی پیش پاافتاده به نظر می‌رسد.

امیری: قرار ما یک درام ساده بود. به این جنس درام در سریال‌های روز دنیا هم توجه می‌شود. مثال سریال خارجی دوستان را می‌زنم که خیلی‌ها آن را دیدند و همین طور است. قسمت آخر آن هم به تازگی منتشر شده و پیچیدگی‌های سریال اخیر آمریکایی را ندارد. آدم‌ها ساده هستند. درام «قصه‌های جزیره» هم همین طور است. به طور کلی هم قرار است شوخی کنیم، یک جاهایی این درام گل‌درشت می‌شود و ممکن است بگویند ماجرای مرده‌شورخانه و بهداری ساده است، اما همین هم در قسمت‌های آخر مشخص شد دلیل اصرار ماشاءا...خان چیست. آنچه از نظرات مردم دستم آمده، این است که با دیدن سریال حالشان خوب شده است. مردم مشکلات و گرفتاری‌های زیادی دارند و اعتقاد من است که باید کاری کنیم تا حالشان خوب شود. بازخوردی که از مخاطبان گرفتم این بود که حالشان خوب شده است. خانمی می‌گفت از سریال انتظار تلخی نداریم و با خیال راحت نگاه می‌کنیم. حتی وقتی طلاها گم شده نگفتیم الان این دختر بدبخت می‌شود.

درواقع باور دارید مثل بسیاری از سریال‌های این روزها به مخاطب استرس نمی‌دهید؟

امیری: بله. مردم می‌دانستند بالاخره یک اتفاق شیرینی خواهد افتاد.

زارع: یک نکته را اضافه کنم. اگر بخواهد همه اتفاقات با منطق و عقلانی باشد که اصلا طنز شکل نمی‌گیرد. در واقعیت هم گاهی سر یک چیز کوچک، دعوای بزرگ درست می‌شود که وقتی از بیرون نگاه می‌کنیم به نظر مسخره می‌آید. ماجرای انتخاب بین مرده‌شورخانه و بهداری هم بر اساس تضاد منافع است. آدم‌هایی مثل خاله گلاب و اقبال منفعت مردم را در نظر می‌گیرند و آدم‌های آن‌طرف هم به فکر برنامه‌ها خود هستند و بازی درمی‌آورند. اگر کار دست خود مردم بود، حتما اول بهداری می‌ساختند، ولی در این مورد شورا باید تصمیم می‌گرفت و برخی شورایی‌ها منفعت‌طلب بودند.

جوان: ضمن این‌که در هنرهای دراماتیک هر اثر منطق خود را دارد. هر کارگردانی فضایی که می‌سازد منطق خاص خودش را دارد. مثلا ما کارهای دیوید لینچ را می‌بینیم، ممکن است با منطق‌مان جور درنیاید، ولی این منطق جهان اثر اوست. در «روزهای آبی» هم گاهی مردم ساده‌لوح و ساده‌انگار می‌شوند و چیزی نیست که بشود به آن خرده گرفت.

یعنی جایی که این ساده‌لوحی گل‌درشت می‌شود هم منطق داستان است؟

جوان: به هرحال هیچ کاری ایده‌آل نیست. ضمن این‌که اصلا شاید سلیقه و خواست کارگردان این بوده برخی ساده‌لوحی‌ها را اینگونه به تصویر بکشد.

تیک چشم همتی برای خودم بود!

شخصیت همتی، چاشنی طنز سریال روزهای آبی است. تا چه میزان کارگردان دست‌تان را برای بداهه باز می‌گذاشت؟

زارع: از ابتدا شخصیت همتی تعریف شده بود و قرار بود بخش طنز سریال را داشته باشد. رفتارهای او به‌ویژه در شورا طنزآمیز بود. البته ایده‌هایی هم خودم در کار داشتم یا بداهه‌هایی شکل می‌گرفت که اگر به کار کمک می‌کرد حتما کارگردان می‌پذیرفت. از سوی دیگر ما در این سریال در کنار آقایان عبدی، سلیمانی و غفارمنش کار می‌کردیم که پیشینه خوبی در طنز داشتند و مسلما خیلی به ما کمک شد. یکی از ایده‌ها این بود که شخصیت همتی موقع عصبانیت تیک‌چشم را داشته باشد. این بداهه خودم بود تا نقش را بامزه‌تر کنم. از سوی دیگر بی‌سواد بودن همتی و از سویی ممتنع بودن او در شورا منجر به ماجراهای زیادی می‌شود. با این‌که در جمع او، آقا ماشاا... و خاله‌گلاب رای همتی موثر است اما همیشه ممتنع رای می‌دهد و جالب است در دیالوگ‌هایش هم می‌گوید من را وارد دعوای جناحی خودتان نکنید. در این سریال در قالب شخصیت همتی نشان می‌دهیم که هرچقدر یک آدم خوب باشد اما سواد نداشته باشد و رای ممتنع بدهد راه به‌جایی نمی‌برد.

از ابتدا هم قرار بود روزهای آبی زمانی پخش شود که با انتخابات یکی شود؟

امیری: ما در این سریال می‌خواستیم اخلاق سیاسی را به مردم یاد بدهیم. به همین دلیل به ماجرای شورای روستا پرداختیم که یک ایران کوچک است. ما نشان می‌دهیم که اگر مردم حتی برای شورا انتخاب اشتباه داشته باشند، دودش در چشم خودشان می‌رود. بنابراین یکی دیگر از موارد سریال روزهای آبی، آموزش اخلاق انتخاباتی بود.

عبدی‌ای که مثل همیشه نیست

چرا به نظر می‌رسد اکبر عبدی در «روزهای آبی» مثل همیشه نیست و انرژی کافی را برای بازی این نقش ندارد؟

امیری: در حوزه سریال‌سازی یکی از مسائلی که مطرح می‌شود، رقابت با بقیه سریال‌ها و پلتفرم‌هاست. این روزها پلتفرم‌ها از بهترین بازیگران سینما استفاده می‌کنند. ما باید بتوانیم با آنها رقابت داشته باشیم. اعتقادم این است که رسانه برای ماندن در حوزه رقابت باید بتواند بهترین بازیگران را جذب کند. ما این کار را کردیم و خدا را شکر عده‌ای از آنان بله گفتند. من سال قبل شروع این سریال و هم «شش نفر و نصفی» را با آقای عبدی کار کردم. برای این سریال هم که آمدند بیمار نبودند تا این‌که وسط سریال کرونا گرفتند و ما دچار مساله شدیم. ایشان بیماری زمینه‌ای نارسایی کلیه داشتند و همین شرایط را سخت‌تر می‌کرد. با این حال وقتی حال‌شان بهتر شد و دکتر مجوز داد، آمدند شمال و کار را ادامه دادند.

در خبرها آمد که ایشان از جایی به بعد حضورشان در سریال کمرنگ می‌شود. ماجرا چه بود؟

امیری: اواخر با مشکل نارسایی کلیه در بیمارستان بستری شدند. دکتر گفت رفت‌وآمد طولانی به شهرستان با توجه به وضعیتی که دارند برایشان مناسب نیست وگرنه خودشان خیلی دوست داشتند بیایند. حتی لازم شده بود برایشان ماسک بگذارند، اجازه نداده و گفته بود ریشم راکورد دارد. دکترشان با ما تماس گرفت که گفتیم اشکالی ندارد، کوتاه کنید.

در این شرایط چقدر برای کار انرژی می‌گذاشتند؟

امیری: مسلما شرایط اکبر عبدی مثل قبل نیست و بیماری خیلی مدت از سریال همراه‌شان شد. بیماران کرونایی بعد از بهبودی هم شرایط جسمی خیلی خوبی نخواهند داشت و تا مدتی خستگی زودرس در آنها هست. با وجود این تا جایی که توانستیم سعی کردیم حضورشان در سریال بی‌تحرک نباشد. به نظرم حضورشان غنیمت است. اکبر عبدی نشسته در سریال ما باز هم بازخورد خود را فهمید.

علی‌اکبری: البته بیماری ایشان از نی سریال بود و در نهایت تقسیم متن نق روند کار را کند کرد.

می‌شود گفت می‌خواستید آقای کارتان حضور داشته باشد؟

امیری: واقعا اینطور نبود. اکبر عبدی ب خود آورد. آقای زارع و دیگر دوستان ش که به حوزه طنز دارند خیلی به کار کمک چون شما این است که اکبر عبدی در باید گفت حضورش مغتنم است و م نمونه‌های مشابه داشتیم که بازیگر نداشته است؛ مثل حضور آقای هاش ایشان هم مغتنم است.

زارع: تا حدی هم در قصه این حالت این سریال رئیسی داریم که نیمچه‌پد نمی‌کند و نوچه دارد. این نوع فقط دستور می‌دهند. با توج داشتن، این حال را می‌توان

این بیماری وارد قصه هم ن

امیری: بله. به قول آقای زارع فرمان می‌دهد. نقش م

ساکت‌اف: د سنشان پرس

نقد گل درشت شدن اقبال را می‌پذیرم

آقای ساکت‌اف شما در طول این سال‌ها رفت و برگشت به اجرا و بازی داشتید. نقش اقبال روزهای آبی برایتان چه داده‌ای به همراه داشت که برای بازی وسوسه شدید؟

کیوان ساکت‌اف، بازیگر نقش اقبال: هر کاری می‌تواند من را از اجرا فراری بدهد، حتما قبول می‌کنم. در واقع علاقه من بیشتر به بازیگری است تا اجرا. گرچه سال‌های زیادی اجرا کردم، اما همیشه در کنارش تئاتر و سریال بازی کردم اما در ذهن مخاطب بیشتر اجرایم پررنگ‌تر است تا بازی. وقتی آقای علی‌اکبری، مدیر تولید سریال روزهای آبی برای نقش اقبال با من تماس گرفت، خصوصیات این کاراکتر برایم جالب بود. البته برگه‌هایی در ابتدای کار به ما داده شد که جزئیات شخصیت‌ها در آن نوشته شده بود. برای اقبال هم خصوصیاتی همچون درونگرایی، مودب بودن و... ذکر شده بود، اما بعد از صحبت با کارگردان و در اجرا این خصوصیات اقبال تغییر کرد و برونگرا شد و همچنین رابطه‌ای هم با محبوبه دارد. در مجموع شخصیت اقبال از من خیلی دور بود.

صفاری: من با احترام به کیوان باید بگویم که من با دادن این برگه‌ها خیلی موافق بودم و شخصا کمک زیادی به من کرد، چون همه چیز درباره جزئیات شخصیت در آن درج شده بود.

جوان: راستش در این برگه‌ها برای شخصیت ساره هم ویژگی‌هایی نوشته شده بود که به برخی از آنها وفادار بودم، اما بعضی دیگر را بر اساس موقعیت اجرا تغییر دادیم.

مثلا کدام یک از ویژگی‌ها را؟

جوان: مثلا ساره برونگراتر شد. من هم ایده‌های خودم را با کارگردان در میان می‌گذاشتم و در صورت موافقت در کار اجرا می‌کردیم.

شخصیت اقبال در صحنه‌هایی خیلی برونگرا می‌شد، حتی این برونگرایی گل‌درشت به چشم می‌آید. به‌ویژه صحنه‌های کل کل اقبال و نیمچه این ماجرا بیشتر به چشم می‌خورد. آیا این ماجرا تعمدی بوده؟

ساکت‌اف: نه این مشکل از شماست! (با خنده) البته شوخی کردم. من هم این نقد را به خودم دارم و معتقدم بهتر بود این گل‌درشت بودن کمتر می‌شد. البته آقای غفارمنش بسیار پرهیاهو و پرجنب و جوش است و من از تجربه او خیلی کمک گرفتم اما بهتر بود رابطه این دو نفر به این شکل در سریال به تصویر کشیده نمی‌شد. کارگردان حین اجرا می‌توانست تذکر بدهد، چرا که او من را می‌دید و هنگام بازی خودم را نمی‌دیدم. اما وقتی می‌بینیم در تدوین هم درنیامده، مشخص است خواست و تعمد کارگردان بوده و سلیقه اوست اما سلیقه من نبود.

صفاری: من با طنزهای موقعیت گل‌درشت در سریال موافق هستم. ما کسانی را در جامعه داریم که بلندبلند صحبت می‌کنند یا موقع غذا خوردن سر و صدا می‌کنند. بنابراین پرداختن به چنین مواردی گل‌درشت نیست، چون واقعیت دارد. ما طنزهای موقعیت زیادی می‌بینیم که در شخصیت بردیا هم شکل می‌گیرد که درست بود؛ ضمن این‌که باید به سختی‌های کار در یک روستا هم اشاره کنم. سازمان صدا و سیما باید در این‌باره فکر کند و بودجه چنین کارهایی باید بیشتر از کارهای تهران باشد. من می‌دیدم آقای امیری، تهیه‌کننده و گروهش چقدر زحمت کشیدند و اذیت شدند اما سختی‌ها دیده نمی‌شود. البته بازی من در روستا کم بود اما دوستان دیگر همچون خانم جوان، آقای ساکت‌اف و... ۲۴ ساعته در روستا بودند و کار تولید راحت نبود. البته برای من هم تجربه شد که در کارهای بعدی‌ام به چنین مواردی توجه کنم. این درحالی است که همه زیبایی روستا را دیدند. بنابراین باید در بودجه چنین کارهایی تجدیدنظر شود. در مجموع کار کردن با نسل‌های مختلف بازیگران در این سریال لذتبخش بود. همچنین بازیگران کودکی که در این سریال نقش‌آفرینی کردند، بسیار خوب بودند و جا دارد به آنها هم توجه شود.

جوان: در ادامه حرف آقای صفاری می‌خواهم بگویم خوب است مدیران میان سریال‌ها تفاوت قائل شوند. ما سریال آپارتمانی داریم و سریال پربازیگر و پرلوکیشن که در شرایط سخت تصویربرداری می‌شوند. نباید برای هر دو اینها یک زمان و بودجه را درنظر گرفت. اگر فقط به کمیت اهمیت می‌دهند که خود دانند ولی اگر کیفیت و جذب مخاطب برایشان مهم است باید کمی از سختگیری‌شان کم کنند. این روزها تولیدات خوب خارجی و داخلی وجود دارد و بازار رقابت میان آثار سنگین است، پس برای کیفیت به وقت و بودجه بیشتر نیاز داریم. این باید درنظرگرفته شود.

زارع: در مورد بودجه گاهی بعضی دوستان در سازمان فکر می‌کنند مثلا اگر این کار با ۱۰ تومان جمع شود خوب است. این طرز فکر باعث می‌شود کاری مثل «روزهای آبی» با هزینه‌های بیشتری که دارد، نسبت به کاری در تهران مقایسه شود. ضمنا موضوعی دیگر هم هست که روی کیفیت اثر می‌گذرد. مثلا از همین الان می‌دانیم سال بعد برای ماه رمضان، سریال می‌خواهیم ولی اقدام نمی‌شود. دو ماه مانده به رمضان شروع به کار می‌کنند و مجبور می‌شوند در زمانی کم جمعش کنند. به‌زعم آنان دارند با فلان مقدار جمعش می‌کنند ولی این هم مثل ساختمان‌سازی می‌ماند که در قدیم می‌دیدیم طرف پولش تمام می‌شد و ظاهر خانه آجر و سیمانی می‌ماند. در واقع این‌گونه مسائل نادیده گرفته می‌شود. گاهی اگر ۲۰ درصد بیشتر برای یک سریال هزینه شود؛ قصه، زیبایی‌شناسی، امکانات و... اثر چند درصد بهتر می‌شود. اگر زمان کمی هم صرف شود، گاهی می‌بینی میلیاردها تومان برای کار هزینه شده است اما نتیجه موردنظر را نمی‌بینی. پس می‌شود با مدیریت درست به نتیجه مطلوب نزدیک‌تر شد.